

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# گفتاری پیرامون آثار انتخاب و عمل



سخنرانی جناب آقای محمد حسین رحیمی

روز اربعین سال ۱۴۰۲ هجری شمسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که)

(أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)

(أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَ)

(بلغزانم یا لغزانده شوم)

(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)

.....  
(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)

(به جهل بکشانم،

یا به جهل کشیده شوم)

## السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ

وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ

عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا

مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

وَ لاجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

# گفتاری پیرامون (آثار انتخاب و عمل)

یکی از اموری که در غالب جوامع با اندیشه‌ها و فرهنگ‌های متفاوت اجمالا مورد قبول است،

---

**(آثار انتخاب و عمل)**

**و (بازگشت این آثار به خود انسان) است.**

در جوامع و متون دینی، اعم از قرآن کریم و بیانات  
اهل بیت عصمت و طهارت نیز این حقیقت به وضوح و  
روشنی مشاهده می‌شود.  
خداوند می‌فرماید:

---

**(إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا)**

**(اگر خوبی کنید به خویشتن خوبی کرده‌اید)**

**(و اگر بدی کنید نیز به خود بد کرده‌اید)**



در گفتار کوتاه پیش رو،  
می‌پردازیم به بررسی بعضی از موارد:

---

**(آثار انتخاب و عمل)**

**و (بازگشت این آثار به خود انسان)**

که در بیانات دینی از آن سخن گفته شده است.

# هفت اثر غضب خداوند

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:  
إِذَا غَضِبَ اللَّهُ عَلَى أُمَّةٍ، وَ لَمْ يُنْزَلْ بِهَا الْعَذَابُ،

امیرالمؤمنین علیه السلام،

به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:  
زمانی که خداوند بر امتی غضب می کند، و عذاب  
(مقصود عذابی همانند امتهای پیشین که ریشه‌ی آنان را قطع کند)  
بر آنان نازل نمی کند؛

(غَلَّتْ أَسْعَارُهَا، وَ قَصُرَتْ أَعْمَارُهَا)

(نرخهای آنان گران و عمرهای آنان کوتاه شود)

---

(وَ لَمْ تَرْبِحْ تُجَارُهَا وَ لَمْ تَزُكْ مِثَارُهَا)

(و بازرگانانشان بی سود و میوه هاشان بی برکت شود)

(وَلَمْ تَغْزُرْ أَنْهَارُهَا وَحُبْسَ عَنْهَا أَمْطَارُهَا)

(و نهرهاشان کم آب و باران از آنان منع می شود)

(و سُلِّطَ عَلَيْهَا أَشْرَارُهَا)

(و شرورترین افراد جامعه، بر آنان حکومت کند)

الکافی (ط - دارالحدیث)، ج 10، ص: 553

این روایات به عنوان ترازویی برای انسان عمل می‌کند،  
که می‌تواند وضعیت خویش و جامعه خود را مورد سنجش  
قرار دهد.

---

دقت کنید!

علامتهای غضب خداوند بر قومی:

(نرخهای گران، عمرهای کوتاه، تجارت کساد)

(میوه‌های بی‌برکت، رودهای خشک و کم آب)

(خشکسالی، تسلط اشرار)

# آثار ولایت امام جائر

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي بَعْضِ كُتُبِهِ:  
(لَأُعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ أَطَاعَتْ إِمَامًا جَائِرًا)

(هر ملتی را که از امام ستمگر پیروی کند عذاب می‌کنم)

---

(وَإِنْ كَانَتْ بَرَّةً تَقِيَّةً)

(اگر چه آن ملت در اعمال خود نیکوکار و مراقب باشند)



(وَأَعْفُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ أَطَاعَتْ إِمَامًا هَادِيًا)

(و هر ملتی را که از امام هدایتگر پیروی کند عفو می‌کنم)

(وَ إِنْ كَانَتْ ظَالِمَةً مُسِيئَةً)

(اگر چه آن ملت در اعمال خود ظالم و بدکار باشند)

أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص: 400

آثار بستن دهان عالم  
و باز گذاشتن میدان سخن برای جاهل

امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین)،

در بیان جامعی دوران قبل از رسول خدا را  
که **(دوران جاهلیت)** نام دارد توصیف می‌فرماید.

---

در پایان این توصیفات،  
سخن کلیدی را بیان می‌کند که دلیل نامگذاری این دوران به  
به **(دوران جاهلیت)** را شرح می‌دهد.

(بَارِضٍ عَالِمُهَا مُلْجَمٌ وَ جَاهِلُهَا مُكْرَمٌ)

---

خداوند پیامبرش را در دیاری مبعوث کرد که در آن سرزمین:

(دهان عالم بسته شده بود)

(و به جاهل ارزش و اعتبار و کرامت داده می‌شد)

اگر در سرزمینی

---

(دهان عالم را ببندند)

(و به جاهل ارزش و اعتبار و کرامت دهند)

---

روزگار این سرزمین روزگار جاهلیت است.

در سرزمینی که  
(دهان عالم را ببندند)

(و به جاهل ارزش و اعتبار و کرامت دهند)

---

این آثار پدیدار می شود:

مردم در فتنه‌هایی گرفتار می‌شوند که:

---

(رشته دین را گسسته)

(ستونهای ایمان و یقین را متزلزل می‌کند)

---

(النَّاسُ فِي فِتْنٍ اُنْجَذَمَ فِيهَا حَبْلُ الدِّينِ)  
(وَ تَزَعَزَعَتْ سَوَارِي الْيَقِينِ)

در چنین شرایطی:

---

(اصول اساسی فطرت و ارزشها دگرگون گشته)

(امور مردم پراکنده و متشتت می گردد)

---

(وَ اِخْتَلَفَ النَّجْرُ وَ تَشَّتِ الْأُمْرُ)



در چنین روزگاری:

---

(راه فرار از فتنه‌ها بسته)

(پناهگاه و مرجع، ناپیدا است)

---

(وَ ضَاقَ الْمَخْرَجُ وَ عَمِيَ الْمَصْدَرُ)

وقتی

(دهان عالم را ببندند)

---

(هدایت فراموش شده)

(گمراهی و نابینایی، همه را فرا می گیرد)

---

(فَالْهُدَىٰ خَامِلٌ وَالْعَمَىٰ شَامِلٌ)

(وقتی به جاهل ارزش و اعتبار و کرامت دهند)

---

(خداوند رحمان معصیت می‌شود)

(و شیطان یاری می‌گردد)

---

(عُصِيَ الرَّحْمَنُ وَ نُصِرَ الشَّيْطَانُ)

در سرزمینی که  
(دهان عالم را بسته‌اند)

---

(ایمان بدون یار و یاور می‌ماند)  
(و ارکان آن فرو می‌ریزد)

---

(وَ خُذِلَ الْإِيمَانُ فَانْهَارَتْ دَعَائِمُهُ)

(نشانه‌های آن ناشناخته می‌ماند)

(و طرق آن ویران و شاهراه‌هایش ناپیدا می‌گردد)

---

(وَ تَنَكَّرَتْ مَعَالِمُهُ وَ دَرَسَتْ سُبُلُهُ وَ عَفَتْ شُرُكُهُ)

در دیاری که:

(به جاهل ارزش و اعتبار و کرامت دهند)

---

(مردم از شیطان اطاعت می‌کنند)

(و در مسیر خواسته‌های او گام برمی‌دارند)

(در آبشخور شیطان وارد شده و از آن سیراب می‌گردند)

---

(أَطَاعُوا الشَّيْطَانَ فَسَلَكُوا مَسَالِكَهُ وَ وَرَدُوا مَنَاهِلَهُ)

کار مردم این دیار به جایی می‌رسد که:

---

(به وسیله آنها نشانه‌های شیطان آشکار می‌شود)

(و پرچم وی به اهتزاز در می‌آید)

---

(بِهِمْ سَارَتْ أَعْلَامُهُ وَ قَامَ لِوَاؤُهُ)

مردم در فتنه‌هایی گرفتار می‌شوند که:

---

(با پای خویش آنان را لگدمال نموده)

(و با سم خود آنها را له کرده)

(و همچنان بر روی پای خود ایستاده است)

---

(فِي فِتْنٍ دَاسَتْهُمْ بِأَخْفَافِهَا)

(وَ وَطِئَتْهُمْ بِأَظْلَافِهَا وَ قَامَتْ عَلَى سَنَابِكِهَا)



آنها در میان فتنه‌ها:

---

(گم گشته و سرگردان)

(و نادان و فریب خورده‌اند)

---

(فَهُمْ فِيهَا تَائِهُونَ حَائِرُونَ جَاهِلُونَ مَفْتُونُونَ)

مردم این سرزمین:

(هرگز استراحت و آرامشی ندارند)

(و هیچ گاه اشک چشمانشان خشک نمی شود)

(نَوْمُهُمْ سُهُودٌ وَ كُحْلُهُمْ دُمُوعٌ)

# تاریخ تکرار می شود

با رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)،  
کار از دست علی مرتضی خارج می‌شود؛

(خلافت رسول خدا) (صلی الله علیه و آله)،

دست به دست می‌چرخد؛

بعد از 25 سال،

دوباره خلافت به جای اصلی خود باز می‌گردد؛

و (مسئولیت حفاظت از دین الهی)،

بر دوش علی مرتضی است.

اما **(قاسطین و ناکثین و مارقین)**  
عرصه را بر علی مرتضی تنگ می کنند؛  
در زمان کمتر از 5 سال،  
سه جنگ بر او تحمیل می گردد.  
او با وجود این شرایط سخت،  
دست از **(مسئولیت حفاظت از دین الهی)**،  
بر نمی دارد.

او ندا می‌دهد:

**(يا أيها الناس سلوني قبل أن تفقدوني)،**

ای مردم! قبل از این که مرا از دست بدهید،  
از من سوال کنید!

به سینه‌ی خود اشاره می‌کند و می‌گوید:

**(إِنَّ هَاهُنَا عِلْمًا جَمًّا لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً)،**

در این سینه علم بسیاری هست.

ای کاش برای آن حمل‌کننده‌ای پیدا می‌کردم.

اما جهل جاهلان فرصت استفاده از  
(عِلْمًا جَمًّا)، را از بشریت سلب می‌کند؛  
فرق علی مرتضی شکافته می‌شود؛

---

(علی فخر بشریت، و اولین فاتح قله ولایت)

مظلومانه به شهادت می‌رسد،  
و دنیای فانی را ترک می‌کند.

نوبت به جگر گوشه‌ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)،  
(حسن ابن علی علیهما السلام)، می‌رسد؛  
مولای شیعیان گرفتار مکر و غدر معاویه،  
و جهل و بی‌وفایی و خیانت دوستان می‌گردد.

---

خلافت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)،  
به ناهلان و نامحرمان می‌رسد؛  
باز هم فرصت استفاده از (انسان کامل)؛  
از بشریت سلب می‌گردد.



(حسن ابن علی علیهما السلام)، به شهادت می‌رسد؛  
دوباره بشریت گرفتار (جهالت و ضلالت) می‌گردد.

---

برای رهایی بشریت از (جهالت و ضلالت)

(حسین ابن علی علیهما السلام)،

چاره‌ای ندارد جز:

(اهداء خون قلب خویش)

زمانی که مروان به (اباعبدالله علیه السلام)، توصیه می‌کند:  
(إِنِّي أَمُرُّكَ بِبَيْعَةِ يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَّكَ فِي دِينِكَ وَ دُنْيَاكَ)  
من به شما توصیه می‌کنم با یزید بن معاویه بیعت کنید؛  
چرا که خیر دنیا و آخرت شما در این بیعت است؛

---

(اباعبدالله علیه السلام)، پاسخ می‌دهند:  
(وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِيَّتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدِ)  
اگر امت به پیشوایی همچون یزید مبتلا شود،  
باید با اسلام وداع کرد.

در زیارت اربعین می خوانیم:

(و بَدَلَ مُهَجَّتَهُ فَيْكَ)،  
(لَيْسَتُنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ)،

(او خون قلب خویش در راه تو صرف کرد)،  
(تا بندگان تو را از جهالت و حیرت گمراهی برهاند)

با این بیانات معلوم می‌شود که چرا امیر المومنین می‌فرمایند:

---

**(أَعْظَمُ الْمَصَائِبِ الْجَهْلُ)؛**

بزرگ‌ترین مصیبت، **(جهل)**، است.

---

**(مِنْ أَشَدِّ الْمَصَائِبِ غَلْبَةُ الْجَهْلِ)؛**

از بزرگ‌ترین مصیبت‌ها، غلبه‌ی **(جهل)** است.

---

**(شَرُّ الْمَصَائِبِ الْجَهْلُ)؛**

بدترین مصیبت‌ها، **(جهل)** است.

سخن پایانی  
ملاک جهل از دیدگاه امام صادق

امام صادق علیه السلام در مصباح الشریعه می‌فرمایند:

-----  
(و مِفْتَاحُ الْجَهْلِ الرِّضَا وَ الْإِعْتِقَادُ بِهِ)؛

و (کلید جهل)، (یعنی آنچه باب جهل را باز می‌کند)،

(رضایت از جهل)، و (باور آن جهل)، است؛

-----  
(و مِفْتَاحُ الْعِلْمِ الْإِسْتِبْدَالُ مَعَ إِصَابَةِ مُرَافَقَةِ التَّوْفِيقِ).

و کلید دانایی، دگرگون کردن این خصلت است،

البته به شرط برخورداری از همراهی توفیق.

(وَ أَدْنَىٰ صِفَةِ الْجَاهِلِ دَعْوَاهُ بِالْعِلْمِ بِلَا اسْتِحْقَاقٍ)؛

(نخستین مرتبه جهل)،

ادعای دانایی کردن بدون شایستگی است.

(وَ أَوْسَطُهُ جَهْلُهُ بِالْجَهْلِ)؛

(میانه مسیر جهل)،

(جاهل بودن به جهل) است؛

(وَ أَقْصَاهُ جُحُودُهُ بِالْعِلْمِ)؛

(قله و نهایت جهل)، انکار علم است.

---

(تذکر): (جحد) انکار به همراه علم است؛ یعنی:  
انسان حقانیت امری را بداند ولی آن را انکار کند.



پایان سخن

فلما بلغوا أرض كربلاء، أخذوا بالبكاء و النحيب و اللّط،  
و أقاموا العزاء إلى مدّة ثلاثة أيّام،  
و اجتمع إليهم نساء أهل السّواد،  
فخرجت زينب عليها السلام في الجمع،  
و نادت بصوتٍ حزينٍ يقرح القلوب:  
وا أخاه، وا حسيناه، وا حبيب رسول الله و ابن مكّة و منى،  
و ابن فاطمة الزّهراء، أه ثمّ أه، و وقعت مغشيّة عليها .

مرا اندر مشام جان برآید

که بوی مشک و ناب عنبر آید

در این صحرا صدای اصغر آید

که استقبال لیلا اکبر آید

دوباره شمر دون باخنجر آید

شمیم جان فزای گوی بایم

گمانم کربلا شد عمه نزدیک

به گوشم عمه از گهواره‌ی گور

مهار ناقه را یک دم نگهدار

در این صحرا مکن منزل که ترسم



هٰنَا ذُبِحَ الْحَسَيْنُ بِسَيْفِ شِمْرِ  
هٰنَا قَدْ تَرَبُّوا مِنْهُ الْجَبِينَا  
هٰنَا ذَبَحُوا الرِّضِيْعَ بِسَهْمِ حِقْدِ  
فَمَا رَحِمُوا الصَّغَارَ الْمُرَضِعِيْنَا  
هٰنَا صَبَغَتْ نَوَاصِيْنَا دِمَاءُ  
بِذُبْحِ بَنِي أَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَا

هٰنَا شَأَلْتِ رُووسَ بَنِي عَلِيٍّ  
رُووسَ بَنِي عَقِيلِ الْعَاقِلِينَا  
هٰنَا مَزَقُوا الْخِيَامَ وَ حَرَّقُوهُآ  
وَ قُسَّمَا فَيُنَا فِي الْخَائِنِينَا  
هٰنَا قَد طَيَّرْتِ أَسْيَافُ جَوْرٍ  
أَكْفَ الْقَانِتِينَ الْمُنْفِقِينَا

ای ساربان! ای ساربان! محمل نگهدار  
آمد به منزل کاروان، منزل نگهدار  
محمل مران، محمل مران، شهر دل اینجاست  
این کاروان خسته دل را منزل اینجاست  
اینجا بهار بی خزانِ من خزان شد  
از برگِ برگ لاله هایم خون روان شد  
اینجا همه دار و ندارم را گرفتند  
باغ و گل و عشق و بهارم را گرفتند

اینجا به خاک افتاده بود و هست عباس  
هم مشک خالی، هم علم، هم دست عباس  
اینجا ز هم پیشانی اکبر جدا شد  
بابا تماشا کرد و فرزندش فدا شد  
اینجا ز آل الله منع آب کردند  
با تیر طفل شیر را سیراب کردند  
اینجا صدای العطش بیداد می کرد  
بر تشنه کامان آب هم فریاد می کرد

اینجا همه از آل پیغمبر بریدند  
ریحانه ی خیر البشر را سر بریدند  
اینجا ستم بر عترت و بر آل گردید  
قرآن به زیر دست و پا پامال گردید  
اینجا به خون غلطید یک گردون ستاره  
اینجا کشید از گوش، دشمن گوشواره  
اینجا زدند آل علی را ظالمانه  
شد یاس ها نیلوفری از تازیانه



اینجا چو از خانه به دوشان خانه می سوخت  
دامان طفلان چون پر پروانه می سوخت  
اینجا به گردون رفت دود آه زینب  
حَلَقِ بریده شد زیارتگاه زینب  
اینجا عدو بر زخم پیغمبر نمک زد  
هر برگ گل را مَهْری از غصب فدک زد  
اینجا زگریه ناقه ها در گل نشستند  
دُردانه های وحی در محمل نشستند

ای کربلا! گل های سرخ یاس من کو؟  
ای وادی خون! اکبر و عباس من کو؟  
با غنچه ی نشکفته ی پرپر چه کردی؟  
با حنجر خشک علی اصغر چه کردی؟  
خون جگر از دیده ام بر چهره جاریست  
پیراهن آوردم به همره، یوسفم نیست  
تصویر درد و داغ در آینه دارم  
چون آفتاب<sup>۱</sup> آتش درون سینه دارم

خاموش و در دل گفتگو با یار دارم  
در سینه داغ هیجده دلدار دارم  
بعد از حسین از عمر خود آزرده بودم  
ای کاش من با آن سه ساله مرده بودم  
اشکم به رخ آهم به دل سوزم به سینه  
بی تو چگونه من روم سوی مدینه  
ای کاش چون تو پیکرم صدچاک می شد  
ای کاش جسمم در کنارت خاک می شد  
گیرم که زنده راه یثرب را بپویم  
زهره اگر پرسد حسینم کو چه گویم؟

السَّلَامُ عَلَىٰ وَليِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ  
السَّلَامُ عَلَىٰ خَليلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ  
السَّلَامُ عَلَىٰ صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيهِ  
السَّلَامُ عَلَىٰ الحُسَيْنِ المَظْلُومِ الشَّهِيدِ  
السَّلَامُ عَلَىٰ أسيرِ الكُرَبَاتِ وَ قَتيلِ العَبْرَاتِ